

جلسه پنجم

شاهنشاهی هخامنشی ها ،

اجداد تاجیکان و پارسها

نویسنده :دکتر بصیر کامجو

Dr.Basir komjo

شاهنشاهی هخامنشی ها را نخستین شاهنشاهی تاریخ جهان میدانند ، که قلمرو سیاسی آن ، به هشت میلیون کیلو متر مربع می رسید .ودوصد و چهارده سال ، نیاکان ما ، براین سرزمین قاره کهن ، سروری نمودند .

مؤسس این سلسه ، کوروش بزرگ از اعقاب هخامنش (1)است .موافق بنوشته های هرودوت ، دودمان هخامنشیان از قبایل پاسارگادیان آریایی تبار از نواده پیشدادیان بلخ باستان بوده اند ، که در پارس سرزمین آریائیان اقامت داشته اند .

بقدرت رسیدن سلسه ای هخامنشیان (550)- 336پیش از میلاد (یکی از وقایع مهم تاریخ قدیم سرزمین ما است .که در کتیبه های آشوری از سده نهم پیش از میلاد مسیح ، نام این اقوام ذکرشده است .این دومین دولت بزرگ و جهان گیر نظیر دولت آشوری ها بود .

هخامنشی ها دولتی را اساس گذاشتند که کشور های قدیم شرق را به استثنای دو سوم یونان تحت تسلط خود در آوردند.

تصویر فروهر، نشان شاهنشاهی هخامنشی نگاه کنید



پادشاهان هخامنشیها اجداد تاجیکان و پارسها عبارت اند از :

1- کوروش بزرگ

2- کمبوجیه

3- داریوش اول

4- خشایارشای اول

5- ارد شیر اول

6- خشایارشای دوم

7- سغدیان

8- داریوش دوم

9- اردشیر دوم

10- ارد شیر سوم

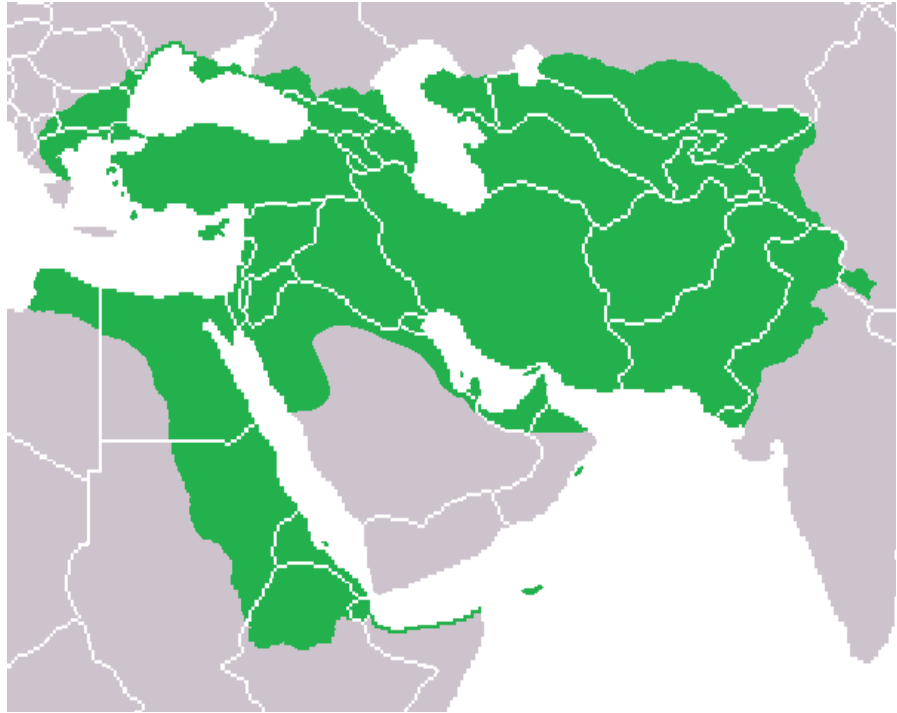
11- داریوش سوم (2) می باشد. و ما در این مبحث بخاطر جلوگیری از به درازا کشیدن کلام ما بذکر برخی از شاهنشاهان هخامنشی ، اکتفاء می کنیم .

اول شاهنشاهی کوروش بزرگ



کوروش بزرگ مؤسس سلسله هخامنشی 559 - 529 پیش از میلاد
پسر حکمران انشان، کمبوجیه دوم و مادر او ماندانا دختر ایشتوویگو پادشاه
ماد از خاندان هخامنشی (اجداد تاجیکان ، پارسها و گردها) بود .
قلمرو سیاسی شاهنشاهی هخامنشی ها ، اجداد تاجیکان و پارسها که زیاده
از هشت میلیون کیلومتر مربع ، مساحت داشته است.

جغرافیایی سیاسی شاهنشاهی هخامنشی ها



کوروش بزرگ بر آخرین پادشاه ماد موسوم به «ایشتو ویگو» «خروج کرد و بر این اساس شاهنشاهی بزرگ مادهای ایرانی پس از یکصد و پنجاه و هشت سال واندی، جای خود را به شاهنشاهی هخامنشیها سپرد (3)

وی "ارمنستان، بابل، (4)سوریه، لیدی (5) و فریگیا (فریجیه (6) را ضمیمه آریانا کرد. واز شمال خاور تا ماورای سیحون واز خاور و جنوب، تا سند وقلب قاره هندوستان، تاخت.

کوروش بزرگ در بهار سال 539 پیش از میلاد قصد تسخیر بابل کرد. واز رود دجله گذشته وارد بهرالنهرین گردید.

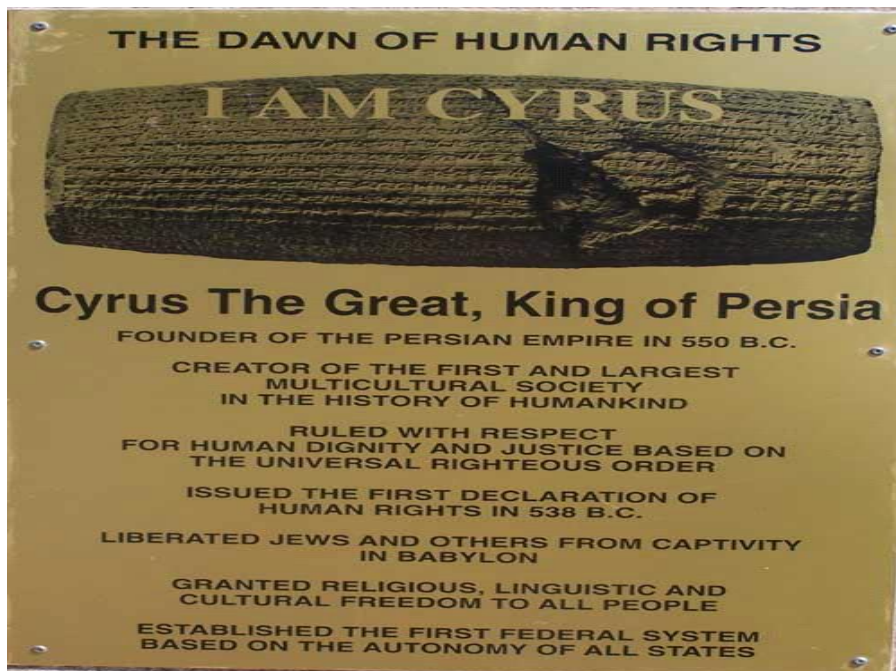
وی نبونید پادشاه بابل و سپاه او را درهم شکست. ونبونید مجبور به تسلیم شد. وشهربابل بزرگترین مرکز قدرت آن زمان بدست آریائیان یا ایرانیان افتاد.

کوروش پس از تسخیر بابل، با مردم به مهربانی رفتار کرد. و اُسرای یهود را که بخت نصر پادشاه سابق بابل، از فلسطین به آن شهر آورده بود، آزاد کرد.

و اجازه داد به فلسطین بازگردند، وفرمانی صادر کرد. تا معبد اورشلیم (تخت حضرت سلیمان) را که « بخت نصر» ویران کرده بود، از خزانه هخامنشی ها بسازند (7) ".

وی زمانیکه بر کل شاهنشاهی بابل تسلط یافت .و منشور تاریخی صلخواهانه خود را که امروز از آن به عنوان نخستین منشور حقوق بشر یاد می شود، روی استوانه سفالین ، حک کرد.

فرمان کوروش بزرگ ، دراستوانه سفالین (8)



به هنگام کاوشهای باستانشناسی در بابل (1882 - 1879 میلادی) (از سوی "هُورْمُزد رسام"، باستانشناس بریتانیایی آسوری تبار، به دست آمد . و پس از آن، برای نگهداری به بخش "ایران باستان" موزیم بریتانیا، سپرده شد.

این استوانه سفالین - خبری از خط مشی کوروش بزرگ دربارهٔ اُسرای بابل می دهد. متن منشور از این قرار است:

"منم کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه دادگر، شاه بابل، شاه سومر و اکد، شاه جهان. پسرکمبوجیه، شاه بزرگ.

آن گاه که بدون جنگ و پیکار وارد بابل شدم، همهٔ مردم گام های مرا با شادمانی پذیرفتند.

دربارگاه پادشاهان بابل، بر تخت شهریاری نشستم، مردوک

خدای بابلیان، دل های پاک مردم بابل را متوجه من کرد. زیرا من او را ارجمند و گرامی داشتم.

ارتش بزرگ من به آرامی وارد بابل شد. نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و سرزمین وارد آید.

آن ها را از زیر یوغ اسارت خارج ساختم، به بدبختی های آنان پایان بخشیدم.

من فرمان دادم که هیچ کس اهالی شهر را از هستی ساقط نکند.

فرمان دادم که همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند، و کسی آنان را نیازارد.

خدای بزرگ از کردار من خشنود شد... او برکت و مهربانیش را ارزانی داشت.

ما همگی شادمانه و در صلح و آشتی مقام بلندش را ستودیم.

من همه ی شهرهایی را که ویران شده بود، از نو ساختم. فرمان دادم تمام نیایشگاههایی را که بسته شده بود، بگشایند.

همه مردمانی را که پراکنده و آواره شده بودند را، به سرزمین خودایشان برگرداندم. و خانه های ویران آنان را آباد کردم. باشد که دل ها شاد گردد و هر روز در پیشگاه خدای بزرگ، برایم زندگانی بلند خواستار باشند.

من برای همه مردم ، جامعه ای آرام مهیا ساختم و صلح و آرامش را به تمامی مردم اعطا کردم .چو آریانا نباشد تن من مباد (9) " .

یادآوری این نکته ضروری است که بسیاری از موارد اعلامیه جهانی حقوق بشر که در منشور کوروش آمده ،ریشه در فرهنگ نیاکان ما دارد .و این سند نخستین حقوق بشر، در سال 1971 میلادی توسط سازمان ملل به زبانهای گوناگون ترجمه و منتشر شد.

اما قابل یادآوری می دانم که پس از گذشت نزدیک به دوهزار و هفتصدسال از فرمان صلح کوروش بزرگ (جد اعلای تاجیکان ، پارسها و گردها) می گذرد . و تا امروز محتوای این فرمان انسان نگری نه تنها از اهمیت اش کاسته نشده بلکه نقش دانشورانه خویش را در عرصه سیاست جهانی ملل حفظ نموده است . مگر باتأسف و درد یک توتۀ ای از ایران قدیم سرزمین کوروش بزرگ که از 275 سال بدین سو ، بوسیله پشتونها با حمایت مستقیم انگلیسها از بدنه یی ایران باستان بریده شده و نامش را افغانستان گذاشته اند ، و در این مدت زمان رهبران ناسیونالیسیم پشتون این گروه اهریمن صفت همه روزه جنگ و کشتار وحشت و دهشت و غصب و تعرض و جنایت را بالای مردمان غیر پشتون این سرزمین آشکارا و بی باکانه اعمال می نمایند . و از صلح و صفا و صمیمیت و همزیستی و همگرایی نزد این گروه وحشی خبری نیست .

جای بسا تأسف است که تا هنوز هم فهم و شناخت ، اندیشه ، کردار و رفتار رهبران پشتون افغان نسبت به اجداد تاجیکها و پارسها و گردها نزدیک به سه هزار سال عقب مانده تر است . پس شما درمورد اندیشه کنید که دموکراسی قلابی آمریکا و انگلیس چنین یک گروه آدمکش نادان حیوان صفت و درنده خورا بر سرزمین پدری ما حاکم ساخته اند . نشانه نادانی و عقب ماندگی و بیسوادی این گروه را بنمایش می گذارد . و چنین گروه های تاریک اندیش میتواند در خدمت نهاد های سرمایه جهانی قرار گیرد .

دوستان حقیقت این است که اینجا نه آمریکا در قصه اعمار دموکراسی است و نه عربستان و قطر و پاکستان در قصه اسلام . بلکه همه این خونخواران قرن بیست و یکم چشم به منابع زیرزمینی کشور ما دوخته اند .

همین اکنون در زیر بیرق گروه طالب بیسواد پاکستانی پشتون زیاده تر از دوره اشرف غنی احمدزی و حامد کرزی پشتون منابع زیر زمینی کشور ما بی حساب از جانب نهاد های سرمایه جهانی در رأس آمریکا و انگلیس بر اساس قانون جنگل استخراج می شود. و فضای هوایی جغرافیایی سیاسی افغانستان بکمک آمریکا و انگلیس و پاکستان کنترل می گردد .

آمریکا و انگلیسها و سایر کشور های غربی از پیشبرد سیاست ترور و وهشت طالبان واقف اند . و قتل و کشتار همه روزه مردمان غیر پشتون (تاجیکها ، هزاره ها و ازبیکها) را از طرف طالبها آگاهانه و شعوری در جوامع غربی بسیار بی اهمیت جلوه داده می شود. رسانه های غربی پلان شده درمورد آموزش و پرورش دختران سخن می رانند.

اما در 15 اگست 2021 ، هنگامی که آمریکا داشت همراهی هم پیمانان غربی اش افغانستان را ترک می کرد قدرت را به کدام نظام منتخب مردم سالار تحویل نداد . بلکه قدرت را با تمام وسایل جنگی به قیمت 85 میلیارد دالر به گروه طالبان پشتون (ساخت آمریکا ، عربستان سعودی و پاکستان) تحویل داد .

چرا آمریکا نخواست که یک انتخابات دموکراتیک در افغانستان انجام پذیرد. زیرا ، اگر داشت انتخابات دموکراتیک در افغانستان – خراسان انجام می پذیرفت ، در آن صورت برنده انتخابات فارسی زبانان یعنی تاجیکان و هزاره ها و ازبیکها که 74 در صد کل نفوس کشور را تشکیل می دهند ، برنده می شدند. هنگامی که تاجیکها و هزاره ها و ازبیکها رهبری اقتصاد و فرهنگ و سیاست کشور را بدست گیرند ، در خراسان – افغانستان صلح و ثبات ، امنیت و همبستگی و عدالت اجتماعی برقرار می گردید . و مردم صاحب کشور خود و آزادی می شوند. و در همچون نظام و فضای سیاسی ، دست متعرض نهاد های سرمایه جهانی از دارایی زیرزمینی و سرزمینی کشور کوتاه می گردید .

بدین اساس بود که آمریکا نخواست که در خراسان – افغانستان زیر ساخت های جامعه مدنی ساخته شود. براین اساس بود که در بیست سال هم رهبری رژیم دست نشانده حامد کرزی و اشرف غنی احمدزی را بدست داشتند و هم رهبری گروه آمکشان طالبان را .

در مغز سیاست بین المللی کشورهای غرب صنعتی در رأس آمریکا و انگلیس منافع ملت های شان اولویت دوگانه دارد . یعنی منافع ملی این کشور ها در ممالک عقب مانده روبه انکشاف فقط در تداوم جنگ نهفته است ، و با تأمین صلح و آزادی بیگانه اند . ازین باعث است که آمریکایی ها نمی خواهند اولاده کوروش (تاجیکها و ، پارسها و گردها) رهبری اقتصاد و سیاست سرزمینهای پدری خویش را در دست داشته باشند .

از این باعث است که مهر کوروش بزرگ در قلب هر انسان بشر دوست منزلگه جاویدان پیدا می کند.

وی سیاست ظالمانه پادشاهان سابق و بویژه شاهان آشور و بابل را به سیاست مدارا تبدیل کرد .

رفتار دادگرانه یی اودر مشرق زمین بی سابقه بوده است . در فتوحات کوروش بزرگ نه تنها پادشاهان و شازادگان مغلوب کشته نمی شدند، بلکه شهروندان دهات ،شهر ها و استان ها نیز از گزند تعرض محفوظ می ماندند.

کوروش در بیانیه ها و فرمانهای خود از مقدسات ملل به احترام و تکریم نام می برد . آنچه را از ملل مغلوب ربوده اند، پس می دهد و ازجمله برطبق مندرجات تورات 5400 ظرف طلا و نقره به بنی اسرائیل رد می کند (10).

از داوریهای مورخان و مدلول اسناد و مدارک تاریخی ، چنین برمی آید که ، کوروش سردار دلیر و کاردان و سیاستمدار بزرگ و مهربان بود . اراده قوی و عزم راسخ داشت .بیشتر به عقل متوسل می شد تا به شمشیر.

رفتار وسلوک و اخلاق کوروش با مردم مغلوب ، دوره جدید همآیشی و همزیستی مسالمت آمیزی را در تاریخ مشرق زمین باستان گشود ، که تا حمله اسکندر مقدونی در آریانای بزرگ ادامه یافت .و آن رامیتوان از دوره های طلایی تاریخ نیاکان ما بشمار آورد .

کوروش بزرگ وصیت نامه ای را از خود بجا گذاشته ، که بشرح آن می پردازیم .:

او خطاب به مردم و خانواده خویش می فرماید : فرزندان من، دوستان من ! من اکنون به پایان زندگی نزدیک گشتم .من آن را با نشانه های آشکار دریافته ام.

وقتی درگذشتم مرا خوشبخت بپندارید . و کام من این است که این احساس در کردار و رفتار شما نمایانگر باشد، زیرا من به هنگام کودکی، جوانی و پیری بختیار بوده ام . همیشه نیروی من افزون گشته است، آن چنان که هم امروز نیز احساس نمیکنم ، که از هنگام جوانی ناتوانترم .

زادگاه من بخش خردی از آسیا بود .من آنرا اکنون سربلند و بلندپایه باز میگذارم. اما از آنجا که از شکست در هراس بودم ، خود را از خودپسندی و غرور بر حذر داشتم . حتا در پیروزی های بزرگ خود ، پا از اعتدال بیرون ننهادم .

در این هنگام که به سرای دیگر میگذرم ، شما و میهنم را خوشبخت میبینم. و از این رو میخواهم که آیندگان ، مرا مردی خوشبخت بدانند .

مرگ چیزی است شبیه به خواب . در مرگ است که روح انسان به ابدیت می پیوندد .

و چون از قید و علایق آزاد می گردد . به آینده تسلط پیدامی کند ، و همیشه ناظر اعمال ما خواهد بود . پس اگر چنین بود که من اندیشیدم ، به آنچه که گفتم عمل کنید . و بدانید که من همیشه ناظر شما خواهم بود ، اما اگر این چنین نبود ، آنگاه از خدای بزرگ بترسید . که در بقای او هیچ تردیدی نیست . و پیوسته شاهد و ناظر اعمال ماست .

همچنان سخنان بزرگان جهان در مورد شخصیت انسانگرایی کوروش خیلی زیاد است ، و ما بذکر چند تای از آنها اکتفاء می کنیم :

کوروش بزرگ بی تردید مردی از تأثیر گزارترین ، و ستایش شده ترین فرد ، در روند تاریخ تمدن بشریت بوده و هست .

مردی که تورات او را " مسیح " و یونانیان او را " سرور " و " قانونگذار " می نامند . و دوستان و دشمنان ، به بزرگمنشی و آزادگی او شهادت داده اند :

صاحب نخستین منشور حقوق بشر در دنیا : کورش بزرگ است .

پروفسور ایلین مدیر موزه لیورپول انگلستان میگوید :

در جهان امروز بارزترین شخصیت جهان باستان کوروش شناخته شده است .

زیرا نبوغ و عظمت او در بنیانگذاری شاهنشاهی چندین دهه ای ایران مایه ی شگفتی است . آزادی به یهودیان و ملت های منطقه و کشورهای مسخر شده که در گذشته نه تنها وجود نداشت بلکه کاری عجیب به نظر می رسیده است ، از شگفتی های اوست .

(افلاتون 427) – 348 پیش از میلاد زندگی می کرد مینویسد که : پارسیان در زمان شاهنشاهی کوروش اندازه میان بردگی و آزادی را نگاه می داشتند .

از اینرو نخست خود آزاد شدند . و سپس سرور بسیاری از ملتهای جهان گردیدند .

در زمان او فرمانروایان به زیر دستان خود آزادی میدادند .

و آنان را به رعایت قوانین انسان دوستانه و برابری ها ، راهنمایی می کردند .

مردمان رابطه خوبی با پادشاهان خود داشتند ، از این رو در موقع خطر به یاری آنان می شتافتند ، و در جنگ ها شرکت می کردند .

آزادی و مهرورزی و رعایت حقوق مختلف اجتماعی به زیبایی انجام می گرفت.

تاریخ نگار یونانی هرودوت که در (484 تا 425) پیش از میلاد زندگی می کرد . در کتاب خود ، تاریخ هرودوت ، مینویسد که :

هیچ ایرانی بی یافت نمی شود که بتواند خود را با کوروش مقایسه کند . از اینرو من کتابم را درباره ایران و یونان نوشتم تا کردارهای شگفت انگیز و بزرگ این دو ملت عظیم هیچگاه به فراموشی سپرده نشود . کوروش سرداری بزرگ بود .

در زمان او ایرانیان از آزادی برخوردار بودند . و بر بسیاری از ملتهای دیگر فرمانروایی می نمودند . بعلاوه ، او به همه مللی که زیر فرمانروایی او بودند ، آزادی می بخشید . و همه او را ستایش می نمودند . سربازان او ، پیوسته برای وی آماده جانفشانی بودند ، و به خاطر او از هر خطری استقبال می کردند .

همچنان ویل دورانت : که در سالهای (1885 تا 1981 میلادی) ، فیلسوف ، تاریخ نگار و نویسنده آمریکایی زندگی می کرد .

درمورد کوروش می نویسد که :

کوروش بزرگ از افرادی بوده که برای فرمانروایی آفریده شده بود .

به گفته امرسون همه از وجود او شاد بودند .

روش کوروش در کشور گشایی حیرت انگیز بود . او با شکست خوردگان با جوانمردی و بزرگواری برخورد می نمود . بهمین دلیل یونانیان که دشمن ایران بودند .

نتوانستند از آن بگذرند و درباره او داستانهای بیشماري نوشته اند . و او را بزرگترین قهرمان جهان پیش از اسکندر می نامند .

کوروش کرزوس پادشاه لیدیه را پس از شکست ، از سوختن در میان هیزم های آتش نجات داد ، و بزرگش داشت ، و او را مشاور خود ساخت . و یهودیان در بند را آزاد نمود . کوروش سرداری بود که بیش از هر پادشاه دیگری در آن زمان محبوبیت جهانی داشت و پایه های شاهنشاهی اش را بر سخاوت و جوانمردی بنیان گذاشت .

گُنت آرتور دو گوبینو نویسنده ، خاورشناس ، شاعرو مورخ ، فرانسوی در سالهای (1816-1882) زندگی می کرد ، مینویسد :

که شاهنشاهی کوروش هیچگاه در عالم نظیر نداشت. او به راستی یک مسیح بود.

زیرا به جرأت میتوان گفت که تقدیر او را چنین برای مردمان آفرید. تا برتر از همه جهان آن روز خود باشد.

من باور دارم که اسکندر مقدونی و ژولیوس سزار و کوروش بزرگ که سه مرد اول جهان شده اند. مگر کوروش بزرگ در صدر آنها قرار دارد. به تصاویر ایشان نگاه کنید.

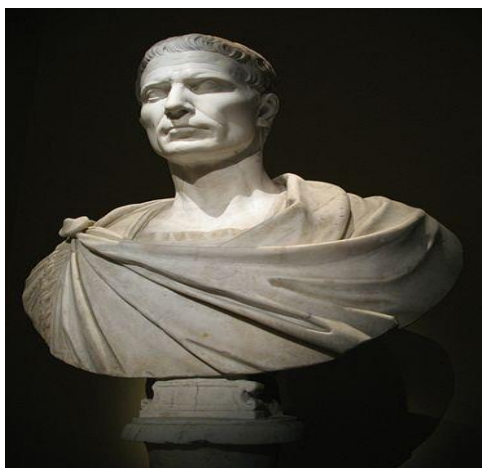
کوروش بزرگ



اسکندر مقدونی



ژولیوس سزار



تا کنون کسی در جهان بوجود نیامده است که بتواند با کوروش بزرگ برابری کند . قوانینی که او صادر کرد در تاریخ آن زمان که انسانها به راحتی قربانی خدایان می شدند ، بی سابقه بود.

نیکلای دمشقی مینویسد که : کوروش شاهنشاه پارسیان ، در فلسفه بیش از هرکس دیگر آگاهی داشت . این دانش را نزد مغان زرتشتی آموخته بود.

دوم - پاد شاهی کمبوجیه

پس از کشته شدن کوروش، کمبوجیه سوم شاهنشاه شد. کمبوجیه پسرکورش بزرگ دومین پاد شاه هخامنشی بود . و دوران حکومتش از سالهای 529 تا 522 پیش از میلاد دوام کرد .

وی در هنگام زمامداری پدرش ، حکومت خوارزم و باختر و پارت و کرمان را رهبری می کرد ... سه سال پس از مرگ پدر بمطیع کردن ایالات پرداخت . و در سال 526 پیش از میلاد عازم تسخیر دوباره مصر شد .

لشکر نیرومند کمبوجیه که بقول هرودت تشکلی از ایرانی ها و سربازانی از کشورهای پیرو هخامنشیان، بود (11) . از غزه (در ساحل دریای مغرب) داخل کویر شدند، و در مدت سه روز آنها با کمک اعراب طی کردند . مقارن این احوال « آماسیس » فرعون مصر فوت کرد و « پسامتیک » سوم جانشین او شد .

نگاه کنید به آماسیس فرعون مصر



دوران حکمروای آن از 570 تا 526 پیش از میلاد بود

سپاهیان آریا از کویر گـذشته به « پلوزیوم » که بر مصب اول شعبه نیل از طرف مشرق واقع بود - رسیدند و با سپاهیان مصر در نبرد شدند و آنان را شکست دادند .

نگاه کنید به موقعیت شهر پلوزیوم مصر



کمبریجیه را میتوان بنیادگذار نیروی دریایی آریایی ها دانست . این ناوگان، نخست از مردان و ابزاری پدید آمده بود که از آسیای کوچک و فنیقیه گرفته

شده بود، قبرس نیز به آریانا پیوست که در لشکرکشی به مصر کشتیهایی فرستاد. در دریای کاسپین نیز نیروی دریایی پدید آمد تا از تاخت و تاز مردم دشت نشین فرای دریا به سرزمینهای هخامنشی جلوگیری شود که در آنجا ساختاری آریایی داشت.

هرودت مینویسد (12): که آیین شاهنشاهان آریایی در همه جا چنین بود که شاه شکست خورده را یا یکی از فرزندان یا نزدیکان وی را به فرمانروایی آنجا میگماردند، و کمبوجیه فرعون را نزد خود نگاه داشت تا فرمانروایی مصر را به او بازگرداند. کمبوجیه گنجینه فرعون را ضبط کرد. بسیاری از اموال توقیف شده فرعون را در گنجینه تخت جمشید یافته اند. با فرا رسیدن تابستان همه مصر به پیروی کمبوجیه درآمد. در اسناد مصری کمبوجیه بنیادگذار دودمان بیست و هفتم مصر برشمرده اند و برپایه این اسناد تاریخی وی پیروزی خود را نوع یگانگی مشروع با مصر برشمرده است. مردم لیبی و تونس خود به پیروی آریائیان درآمدند.

کمبوجیه به همراهی بخشی از ارتش به نیمروز (جنوب) مصر رفته و پایتخت مصر بالا، تبس را نیز گرفت. بخشی از ارتش در راستای رود نیل به سوی نیمروز تا ژرفای آفریقا پیشروی کردند. همچنین پیکری برای تبعیت «اتوپیا یا حبشه» کنونی به آنجا فرستاده شد و از آن پس «حبشیان» به دولت بزرگ هخامنشیان خراج میپرداختند.

از سندهای دیوانی سال نخست فرمانروایی کمبوجیه در مصر برمی آید که ، اقتصاد کشور کمترین آسیبی ندیده است. کمبوجیه به پیروی از پدر، مصریان را در انجام آیینهای دینی خود، آزاد گذارد، و به فرهنگ کهن سال آنان خدشهای وارد نیاورد.

در پایان شاهنشاهی کمبوجیه، فرمانروایی هخامنشی، همه پادشاهی های جهان آن روز را در بر میگرفت. و مرزهای آریانای بزرگ از یک سو در خاور، به هند میرسید و از سوی دیگر شهرهای یونانی را در همسایگی داشت.

در روزگار داریوش شاهنشاهی هخامنشیان آریایی، کمابیش همه جهان زیر پوشش فرهنگ باستانی نیاکان قرار داشت.

سکه استاتر طلا ، که در زمان پادشاهی
کوروش و کمبوجیه رواج داشته است



پادشاهی داریوش اول

میتوان گفت که نام و نسب این شاه (داریوش بزرگ) را در کتیبه های
هخامنشی , در کتیبه های مصریان و در کتاب مقدس تورات , در زبان و
اسناد بابلی , و مورخین یونانی و در پهلوی و کتب مورخین اسلامی با کمی
تفاوت داریوش و یا داریوس نوشته اند .

تندیس داریوش اول شاه آریایی
نقش برجسته در بیستون نگاه کنید



داریوش اول (549 - 486 پ . م .) خلف هشتم هخامنش است . ویشناسپ پدر او در زمان کوروش والی فارس بود . داریوش در آغاز پادشاهی با مشکلات بسیاری روبرو شد .

زیرا بنسبت اینکه ، غیبت کمبوجیه شاه، از آریانا چهار سال طول کشیده بود .

بی نظمی و هرج و مرج در کشور توسعه یافته بود . در نقاط مختلف قلمرو هخامنشی ها شورش های داخلی و روند جنبش استقلال خواهی از طرف دودمان شاهان پیشین و سایر رهبران بومی مناطق اوج گرفته بود . مگرداریوش بزرگ با متانت و تدبیر ، در طول هفت سال جنگ توانست شورشیان داخلی را فرو بنشاند .

نظام شاهنشاهی را استحکام بخشید و سرزمین هایی چند به شاهنشاهی الحاق کرد . و بر مشکلات پیروز گردید .

وبقول خودش " :این پیروزی ها را در همه جا نتیجه لطف اهورامزدا میدانند ، او میگوید :هرچه کردم بهرگونه ، بفضل اهورامزدا بود .از زمانیکه شاه شدم ، نوزده جنگ کردم .بفضل اهورامزدا لشکرشان را درهم شکستم و 9شاه را گرفتم .ممالکی که شوریدند دروغ آنها را شوراند .زیرا به مردم دروغ گفتند .پس از آن اهورامزدا این کسان را بدست من داد و با آنها چنانکه میخواستم رفتار کردم .

ای آنکه پس از این شاه خواهی بود با تمام قوا از دروغ بپرهیز .اگر فکر کنی : چه کنم تا مملکت من سالم بماند، دروغگو را نابود کن (13) . "

در قاره آفریقا هم ، در زمان داریوش اغتشاش و شورش هایی پدید آمد . لازم است گفته شود که در آن روزگار مصر، لیبی و قسمت هایی دیگر از خاک آفریقای شمالی و شرقی مطیع شاهنشاهی آریانی بزرگ بود و شخصی بنام آریاند از جانب داریوش فرمانروای آنجا بود .و چون بداریوش خبر رسید که آریاند زمزمه خودمختاری آغاز کرده و بنام خویش سکه نقره کامل عیار زده است .شاهنشاه به مصررفت و او را از میان برداشت و سپس بمعابد مصر رفت وضمن احترام فراوان به مجسمه های ارباب انواع مصری ، « کاهن بزرگ سائیس » (14) را به تعمیرمعابد گماشت . و سپس ترتیب آبیاری با کاریز را در مصر رایج ساخت .این خدمات او را در نظر مصریان چنان ارجمند ساخت که گفتند :او یکی از فراغه بزرگ ماست .

داریوش پس از فرونشاندن شورشهای داخلی و سرکوبی یاغیان ، تشکیلات کشوری و اداری منظمی بوجود آورد که براساس آن تمام کشورها و ایالات تابع شاهنشاهی آریائیان بتوانند با یکدیگر و با مرکز شاهنشاهی مربوط از نظر سازمان اداری هماهنگ باشند.

تسخیر هند : طغیان روح جهانگشایی داریوش او را متوجه پنجاب و سند کرد .

در سال 512 پ . م . نیاکان ما از رود سند گذشتند و قسمتی از سرزمین هند را گرفتند داریوش فرمان داد تا کشتی هایی بسازند و از طریق دریای عمان به پنجاب و سند بروند .این دو نقطه زرخیز و پرثروت برای آریانیان آنروز بسیار مهم بود .

این چیرگی آریائیان درتاریخ هند مبداء دوران تازه ای گردید و سرنوشت هند را دگرگون ساخت .

سکه داریوش 420 سال پیش از میلاد مسیح



داریوش (522 - 486 پیش از میلاد) پسر خود خشایارشا را و لیبهد خود برگزید و هنگامی که آخرین تدارکات خود را باری برای جنگ مصر و یونان میدید پس از 36 سال پادشاهی درگذشت .

داریوش مردی خردمند و با اراده و در بیشتر موارد ملایم و با ملل مغلوب مهربان بود .

مورخان همگی برآنند که اگر او پس از کمبوجیه بر تخت نمی نشست شاهنشاهی هخامنشی دوام نمی یافت . و چنان وسعت و قدرتی پیدا نمیکرد .

در زمان او حدود متصرفات شاهنشاهی آریانای بزرگ از یک سو به چین و از سوی دیگر به قلب اروپا و آفریقا میرسید . و این قلمرو شامل تقسیمات اداری منظمی بالغ بر بیست استان یا مملکت ، که در هر استان یک والی عهده دار امور کشوری بود .

اقوام و شهروندان قلمرو شاهنشاهی نیاکان ما ، با آنکه در ادیان و عقاید و رسوم خود محدودیتی نداشتند، در ضابطه تبعیت از حکم پادشاه، به حفظ وحدت و تمامیت شاهنشاهی متعهد بودند .

نام سرزمینهای تابع شاهنشاهی هخامنشیها اجداد تاجیکان و پارسیها ، در کتیبه ای متعلق به مقبره داریوش که در نقش رستم می باشد ، به تفصیل این گونه آمده است :

"ماد ، خووج (خوزستان) ، پارت ، هرات ، باختر ، سغد ، خوارزم ، زرنگ ، آراخوزیا (رخج ، قندهار) ، پنجاب ، کابل ، پیشاور ، سند ، ماورای جیحون ، بابل ، آشور ، عربستان ، مصر ، ارمنستان ، بخش شرقی

آسیای صغیر، سپرد، سارد، لیدییه در مغرب آسیای صغیر، یونانیان آسیای صغیر، سکا‌های آن سوی دریا :

کریمه و دانوب؛ مقدونیه؛ یونانیان سپردار: تراکیه، تراس؛ سومالی، حبشه، مکیه (ترابلس دومین شهر بزرگ لبنان، برقه)، کرخا کارتاژ، قرطاجنه یا کاریه در آسیای صغیر (15) "....

در بین این نامها، ظاهرأسرزمینهای هم بود که والی جداگانه نداشت و به وسیله والی استان مجاور اداره می شد.

براساس اسناد تاریخی دست داشته میتوان اذعان کرد که داریوش بزرگ جهت استحکام قدرت مرکزی در عرصه سازماندهی خدمات اجتماعی و نظام تشکیلاتی از خود اهتمام زیادی بخرج داد. نظام سیاسی ای را که او بنیان نهاد حتا تا زمان استیلای عرب ها نیزدر سرزمین ما دنبال گردید.

مجلس بارعام داریوش اول

موزه خانه زینت الملوک در شیراز



از جمله اقدامات دیگر داریوش بزرگ :

– یک – ایجاد راه شاهی که « سارد پایتخت لیدی » را به « شوش » پایتخت زمستانی هخامنشیان وصل می کرد،

دوم – ضرب سکه دریک، تقسیم قلمرو شاهنشاهی به قسمتهایی به نام ساتراپ(ولایت)

سوم – آغاز ساخت تخت جمشید در زمان پادشاهی وی

چهارم - (حفر ترعه‌ای) کانال - آبراه بزرگ (که دریای سرخ را به رود نیل و از آن طریق به دریای مدیترانه (16) پیوند میداد را میتوان نام برد .

تخت جمشید میراث جهانی یونسکو(17)

که در زمامداری داریوش بزرگ ساخته شده است



باری متن قسمتی از کتیبه های داریوش رامتذکر می شویم :

" من داریوش، شاه بزرگ، شاه پارس ، شاه سرزمینها ، پسر وشتاسب، نوه ارشام هخامنشی هستم . پدر من وشتاسب، پدر وشتاسب ارشام ، پدرارشام اریارمن، پدر اریارمن چیش پیش و پدر چیش پیش هخامنش بود.

ما بدلیل این که از دیرگاهان از خاندان اصیل و شاهانه بودیم هخامنشی خوانده شدیم . هشت نفر از خاندان ما پیش از این ، شاه بوده اند و من نهمین هستم . ما « 9 » نفر پشت سر هم شاه بوده و هستیم . به خواست اهورامزدا من شاه هستم و او شاهی را به من هدیه داد.

ای که این نوشته ها و این نقشها را که من تهیه کرده ام می بینی از آنها حفاظت و مراقبت کن .

اگر تا زمانی که توانایی داری از این نوشته ها و نقشها مراقبت کنی اهورامزدا یارت باد و دودمان و زندگیت بسیار باشد و همه کارهایت مورد قبول اهورامزدا باشد.

امیدوارم اگر این نوشته ها و نقشها را در هنگام توانایی مراقبت و حفاظت نکنی اهورامزدا یارت نباشد و دودمانت تباه باشد و آنچه می کنی اهورامزدا ضایع کند (18) ."

چهارم - پادشاهی خشایارشاى اول

خشایارشا (جلوس 486- مقتول 465 پیش از میلاد) پسر وجانشین داریوش بزرگ و مادر او «آتوسا» دختر کوروش بود . (19) وی در سن سی و چهار سالگی به سلطنت رسید و در آغاز سلطنت شورشى را که در مصر و بابل برپا شده بود فرونشاند .

قسمی که در فوق گفته آمد داریوش بزرگ هنگامی که آخرین تدارکات خود را برای جنگ مصر و یونان میدید پس از 36 سال پادشاهی درگذشت.

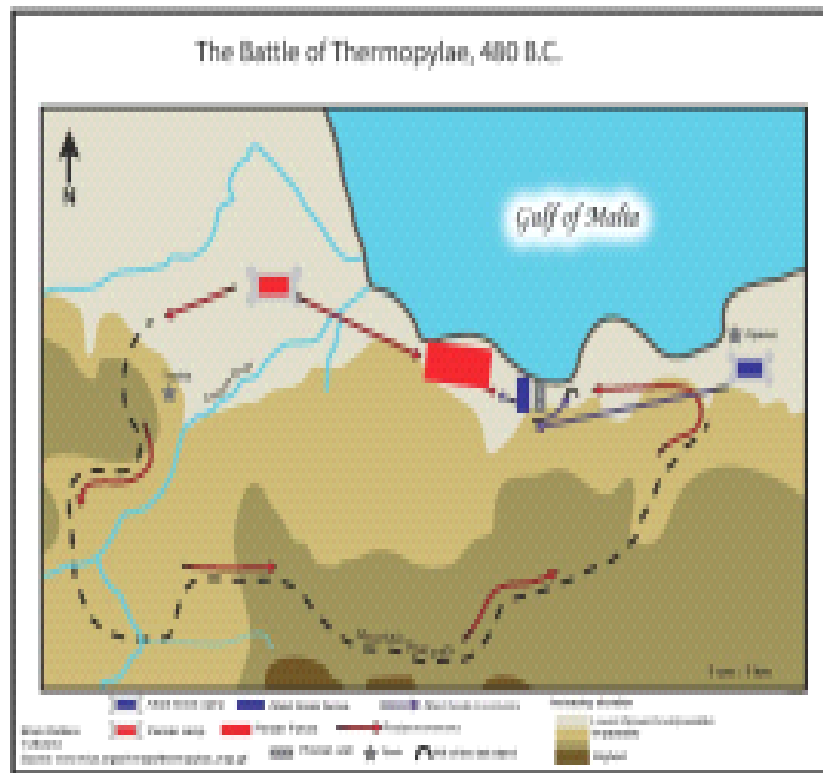
خشایارشا در سد بر آمد که اقدام پدر را به نتیجه برساند . این پادشاه سرکوبی یونانیان را بر خود واجب دانست و پس از گذشتن سپاه آریائیان از بغاز ، تنگه داردانل ، هلس پونت (20) وارد خاک یونان شد .

تنگه داردانل را در نقشه



بنا به گفته «هرودوت «و» کتزیاس ، پزشک پروشات همسر داریوش دوم (21) هم تأیید کرده ،که خشایارشا در بهار سال 480 پیش از میلاد از لیدی به راه افتاد ، تا خود را به یونان برساند .خشایارشا پادشاه هنگام ورود به خاک یونان به دفاع ومقاومت شدید یونانیان مواجه شد .او با آمادگی قشون منظم زمینی و بحری ،با تحمل صدمات جانی و مالی شدیدی ازجنگ در تنگه «ترموپیل و اشغال آتن ، جنگ سالامیس وبعد ها نبرد پلاته ، موفقانه بدر آمد.

تنگه ترموپیل



ویونان را در حیطه فرمانروایی آریائی‌ان درآورد .او با پیروی از سیاست تسامع - در روز دهم ورود ارتش آریائی‌ان به آتن به معبد اکروپل (22) رفت و حتا به خادم معبد الهه بزرگ آتن ، انعام داد .

تندیس خشایارشا اول



خشایارشا صفاتی عالی داشته بگونه یی یونانیان بزرگمنشی او را ستوده اند. مشهور است که اسکندرمقدونی وقتی که تخت جمشید را به آتش کشید، مجسمه خشایارشا به روی زمین افتاد و اسکندر گفت: آیا باید بخاطر روح عالی و صفات نیکویت تو را از روی زمین بردارم یا بگذارم که روی زمین بمانی تا بخاطر تاخت و تازت به یونان مجازات شوی؟

خشایارشا درتخت جمشید که بدستور پدرش داریوش ساخته شده بود قصرهای دیگری بنا کرد که بر عظمت و شکوه این اثر باستانی افزود. همین طور کتیبه هایی درکوه الوند، و نیز در، ارمنستان از خود به جای گذاشت.

همچنین یکی از اتفاقات بحث برانگیز در زمان او حمله به یهودیان است که سپاه در نیمه راه متوقف می شود. آنچه که به نظر می رسد این است که «آمان» عیلامی تبار وزیر تشریفات پادشاه، وی را از عدم پرداخت مالیات یهودیان آگاه و او را برای حمله به یهودیان تحریک میکند. اما در راه حمله، «استر» شهبانوی یهودی تبار زن خشایارشا - ازپادشاه تقاضای

عفو آنها را کرد. و یهودیان را از توطئه قتل عام نجات بخشید. یهودیان تا به امروز این اتفاق را با نام « پوریوم » جشن می گیرند .

استر شهبانوی خشایارشا



خشایارشا پادشاه پس از بیست سال سلطنت (485 تا 465 پیش از میلاد) بوسیله یک خواجه به نام میترادات (23) به قتل رسید.

پادشاهی ارد شیراول

اردشیر اول ملقب به درازدست ، پسر خشایارشا از سالهای (465 تا 424 پیش از میلاد ، بمدت 41 سال فرمانروایی کرد .

او چهار برادر هریکی :

1 - داریوش

2 - ویشتاسب

3 - تیت رُس تس

4 - آرتاریوس

و دو خواهر

1 - آمیتس و

2 - رُدگانه داشت . (24)

اردشیراول از ملکه « داماسپیا » فقط یک پسر داشت ، که خشیارشا می نامیدند .دوره سلطنت وی جز چند سال اول بآرامی گذشت .در زمان او برادر ارشدش که در باختر دعوی سلطنت می کرد در دوجنگ مغلوب گردید 462 پ.م. (25)

وهمچنان « ایناروس » (26) حاکم مصر به کمک و تشویق آتنیان علم طغیان برافراشته بود از طرف قشون هخامنشیان و کمک حاکم سوریه (بغابیش) مغلوب و فتنه فرونشست .

در مورد شورش مصر و تسخیر آن از نو اذعان باید کرد که ، احوال مصر در سال آخر سلطنت داریوش اول ، و پس از فرونشاندن شورش آن، در ابتدای سلطنت خشیارشا، به همان حال سابق باقی ماند.

یعنی امراء و روحانیون مصر بهمان حقوق و اختیارات خودشان ابقا شدند، ولی این رفتار در احوال روحی مصری ها تغییر نداد و مصر در زمان اردشیر اول باز شورید، ولی برای فهم شورش های پی در پی مصر باید کلیه روابط مصر و آریانا را در نظر گرفت .ازاین نظر آنچه از نوشته های مورخین قدیم مانند هرودوت و سایرین استنباط میشود چنین است :

مصریها کلیه حکومت مردمان آسیائی را بر خود یک نوع مجازات آسمانی میدانستند. در هر دوره چنین بود و در دوره هخامنشی هم چنان .

با وجود اینکه داریوش بزرگ برای استمالت مصریها خودش بمصر رفت ، و از روحانیون و نجبای مصر جذب قلوب کرد، در سوگواری مصریها برای گاو مقدس شرکت یافت ، و چنانکه کتیبه سوئز یا آرسینوئه (27) نشان میدهد ، خود را فرعون مصر خواند. و القاب و عناوین فراغه را اختیار و مذهب که از حیث زبان و خط عین کتیبه های شاهان هخامنشی باشد ... برقرار ، و کارهای عام المنفعه برای مصریها کرد، باز مصریها در سال آخر سلطنت او شوریدند. جهت این بود، که مصریها بواسطه قدمت تاریخی برخود می بالیدند . و خودشان را بالاتر از ملل دیگر میدانستند (28) .

راجع بشخص اردشیر اول تاریخ نویسان زیاد نوشته اند. و متفق به اندیشه کل بایدگفت که : او را شاهی رعیت پرور و دادگستر خوانده اند. از مورخین یونانی « دیودور سیسیلی » تاریخ نویس سده یکم پیش از میلاد نقل قول است که : " اردشیر اول در بدو سلطنت برخلاف سیاست پدرخواست اصلاحاتی کند و بمطالب مردم و ایالات برسد "

پلوتارک در بسالهای (46 - 127) از تاریخنگاران یونان باستان گوید : از حیث رفت و جوانمردی او سرآمد شاهان ایران قدیم بود ، " که میخواست اسباب امنیت و آسایش شهروندان را فراهم کند، ولی تا چه اندازه در این راه موفق شده ، معلوم نیست اصولاً اطلاعات ما بر وقایع مذکور خیلی کم است. و اخبار گوناگون که بیان شد همین قدر میرساند .

بهر حال قتل خشیارشا، کشته شدن داریوش و جنگ اردشیر با ویشناسپ از وقایعی است ، که جلب توجه می کند، زیرا در دوره شاهنشاهی هخامنشیان اینگونه پیش آمدها تا این زمان نظیر نداشت. بنابراین باید گفت ، که در زمان خشیارشا، پس از شش یا هفت سال ابتدای سلطنت او، آریانا در مرحله جدیدی داخل گشته :

از زمان تأسیس دولت ماد تا این وقت آریانا همواره توسعه می یافت و بر قدرتش می افزود ، ولی از این زمان از هم پاشی شروع می شود. و آریانای بزرگ دیگر توسعه نمی یابد، بلکه ایالات اروپائی ، یعنی تراکیه (29) و مقدونیه را از دست می دهد .

و در آسیا و آفریقا هم شورشهایی پی در پی در ایالات روی میدهد. بنابراین میتوان گفت، که دوره مادی و دوره اول هخامنشی، یعنی دو دوره ای که متمم یکدیگرند، بدو قسمت متمایز تقسیم میشوند - تا اوایل فرمانروایی خشایارشا.

اردشیر اول نخستین شاه هخامنشی بود، که از توسعه آریانای بزرگ بطرف مغرب صرف نظر کرد. یگانه گامی که او در وسعت شاهنشاهی آریانایی بزرگ گذاشت امضای معاهده سیمون با آتنیان بود، که بر اساس آن جزیره قبرس بار دوم جز خاک شاهنشاهی آریانایی بزرگ شناخته شد. و این جزیره بواسطه نزدیکی آن به فنیقیه (30) و مصر از اهمیت خاص سیاسی و سوق الجیشی برخوردار بود.

از اردشیر اول یک کتیبه به زبان بابلی در تخت جمشید و سه ظرف که به چهار زبان نوشته شده باقیمانده است که در موزه های:

« شهربرلین » و « فیلادلفی (31) » و « شهر ونیز ایتالیا » موجود است (32).

پس از ختم دوره اردشیر اول پنجمین شاهنشاه هخامنشی، شاهنشاهان سلسله هخامنشی آریایی - بترتیب زیر عبارت بودند از:

- خشایارشا دوم، پسر اردشیر اول، دوران شاهی وی تصادف است بسال 424 پیش از میلاد.

- سغدیان، پسر اردشیر اول، نیز در سال 424 پیش از میلاد شاهی رسید؛

- داریوش دوم، پسر اردشیر اول (اخس) (دوران فرمانروایی وی به سالهای 424 تا 404 پیش از میلاد بوده است؛

- اردشیر دوم، پسر داریوش دوم (دوران حکمرانی اش از 404 تا 358 پیش از میلاد (دوام یافت.

- اردشیر سوم، پسر اردشیر دوم (دوران پادشاهی اش از 358 تا 338 پیش از میلاد بود)؛

داریوش سوم ، آخرین شاهنشاه هخامنشی

پسر آرشام دوم (330 – 380 پیش از میلاد) ، آخرین شاهنشاه هخامنشی بود .

این شاه که او را در کتابهای پهلوی «دارا پسر دارا» خوانده اند فرزند آرسان بوده و آرسان پسر استن و نوه داریوش دوم است .

بنابراین داریوش سوم نسبش با فاصله سه نسل به داریوش دوم میرسد و بهمین جهت او را « پسر دارا » (فرزند داریوش دوم) گفته اند .

داریوش در دستگاه هخامنشی چاپاری یا نامه رسان بود که فرمانهای شاهنشاه را به والیان و فرماندهان ایالات میرساند . در یکی از جنگهای روزگار شاهنشاه اردشیر ، داریوش از خود رشادتی نشان داد ، که مورد تمجید اردشیر قرار گرفت و او را دلیرترین خواند .

بقول ژوستن ، تاریخ نویس معروف ، او را والی ارمنستان کرد .

آغاز پادشاهی داریوش سوم با شروع حکومت اسکندر پسر فیلیپ در مقدونیه تقریباً مقارن است . داریوش سوم سلطنتی را آغاز کرد که دوران کوتاه آن پر از وقایع بزرگ و در عین حال سوزناک است .

در زمان او اسکندر مقدونی به آریانیی بزرگ حمله کرد ، و در جنگ های : گرانیکوس ، ایسوس و گوگمل ، داریوش شکست یافت ، و با مرگ او سلسله هخامنشی منقرض گردید (33) .

بصورت کل یازده شاهنشاه هخامنشی بمدت تقریباً 214 تا 220 سال بر آریانیی بزرگ پادشاهی نمودند . که شرح حال و کارکرد های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی همه شاهان قسمی که در آغاز سخن به آن اشاره کردیم ازتوان برنامه ما خارج است .

اما معرفی و ذکر نکاتی چند در فوق ، مواردی از راهبرد سیاسی و فرهنگی بجایست ، در امر بازشناسی هویت باستانی و افتخارات پرارزش سرزمین نیاکان ما .

بدینوسیله ما از تاریخ گذشتگان خود می آموزیم . و از کرده های ایشان انتباه می گیریم . و به آن دست آورد های پرارزش سیاسی و فرهنگی و اجتماعی آنها ، که مایه فخر و سربلندی ما میباشد ، ارج می گذاریم .

منابع و مآخذ و شرح واژه ها ، بخش شاهنشاهی هخامنشی ها

1 - هخامنش سر دودمان سلسله هخامنشی و جد اعلای کوروش و داریوش است . ولی در فرهنگ فارسی به معنی « دوست منش » و یا حس باطنی ، فهم و شعور و اندیشیدن تعبیر شده است . رجوع شود به :
فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 6 ، ص 2262 .

2 - همانجا فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 6 ، ص 2262 .

3 - نکته بسیار مهم آنکه شاهنشاهی هخامنشی چیزی جز تداوم دولت و تمدن مادی نبود . همان اقوام آریایی و همان مردم آریایی ، روندی را که برگزیده بودند با پویایی و رشد بیشتر تداوم بخشیدند و در پهنه ای بسیار وسیع ، آن را تا پایه بزرگترین شاهنشاهی شناخته شده جهان، اعتبار بخشیدند.

رجوع شود به :

(www.farhangsara.com/fhistory_vdm.htm)

4 - بابل برای سالیان درازی مرکز تمدن و علم و فرهنگ بود و نام آن در کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان بسیار آمده و قرآن مجید در سوره بقره آیه 102 از آن یاد کرده است.

به بابل بین النهرین نیز گفته می شود که اکنون شامل کشور عراق کنونی می شود. اقوام سومر ، کلد ، اکد ، آشور و فنیقی ها و عیلامی ها و عاموری ها در این سرزمین زندگی می کرده اند و پادشاهان معروفی همچون حمورابی (پادشاه بابل و فرمانروای اموریها از 1795 تا 1750 پیش از میلاد بود.) و بخت النصر (پادشاه بابل جلوس 605 پیش از میلاد) و آشور بانپیال (زاده: 685 ، مرگ: 627 یا 631 پیش از میلاد) پادشاه آشور از 669 پ.م تا 627 یا 631 پ.م بود. آشوربانپیال آخرین فرمانروای مقتدر آشوریان بود.) در این سرزمین پادشاهی می کرده اند.

این سرزمین جایگاه اکثر پیامبران الهی می باشد . اور مولد (زادگاه) حضرت ابراهیم نیز در این سرزمین واقع می باشد .

5 - لیدی منطقه‌ای باستانی در غرب آناتولی بود مطابق با استان‌های امروزی ازمیر و مانيسا در ترکیه. پایتخت سنتی لیدیه شهر سارد بود. پادشاهی لیدیه در گسترده ترین حالت خود تمامی آناتولی غربی را در تصرف خود داشت. لیدیه دارا ترین کشور منطقه آسیای کوچک بود. پادشاه لیدی به منظور مقابله با کوروش بزرگ با فرمانروای اسپارت که از مهم ترین شهرهای یونان بود، پیمان دوستی بست. کوروش بزرگ به لیدیه حمله برد و سارد را در سال 546 پیش از میلاد تصرف نمود. با فتح شهر سارد به عمر پادشاهی بزرگ لیدی پایان داده شد.

6 - قسمتی از آسیای صغیر است که حدود آن متغیر بوده . رجوع شود به : قاموس کتاب مقدس - این اثر پرارزش در سال 1928 میلادی توسط جیمز هاکس و به همکاری آقا میرزا اسماعیل صدیقی ترجمه و تألیف شده است .

7 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 6 ، ص 1622 .

8 - استوانه سفالین کوروش بزرگ شامل نوشته‌هایی به خط میخی است. جنس این استوانه از گل رس است، 23 سانتی‌متر طول و 11 سانتی‌متر عرض دارد و دور تا دور آن در حدود 40 خط به زبان اکدی و به خط میخی بابلی نوشته شده است.

بررسی‌ها نشان داد که نوشته‌های استوانه در سال 539 پیش از میلاد به دستور کوروش پس از شکست بخت‌النصر و گشوده شدن شهر بابل، نوشته شده، به عنوان سنگ بنای یادبودی در پایه‌های شهر قرار داده شده‌است.

9 - جهت معلومات بیشتر رجوع شود به سایت :

www.tebyan.net/index.aspx?pid=17257...164753

- نوشته : جناب عالی « امام علی رحمان » تحت نام :

(استیلای اسکندر مقدونی و تلاش های استقلال خواهی مردم باختر و سغد)
(منتشره مجله « پیوند : نامه انجمن تاجکان و فارسی زبانان جهان ، دوره جدید ، شماره هشتم صص 9 - 23 .

10 - ایران باستان ، مؤلف : حسن پیرنیا ، سال 1308 شمسی ، ج 1 صص 232-477.

و رجوع شود به : فرهنگ فارسی , دکتر محمد معین , چاپ یازدهم 1376
جلد 6 , ص 2262 ؛ همین فرهنگ جلد 5 , ص 564 تحت عنوان
ذوالقرنین .

11 - فرهنگ فارسی , دکتر محمد معین , چاپ یازدهم 1376 , جلد 6 ,
ص 1545 .

12 - برگرفته شده از : دانش نامه آزاد , بخش کمبوجیه .

13 - ایران باستان , مؤلف : حسن پیرنیا , سال 1308 شمسی , ج 1 . و
منابعی از : دانش نامه آزاد ویکی پدیا .

14 - کاهن : کسی است که خبر دهد از وقایع آینده و ادعای آگاهی بر
اسرار و اطلاع از علم غیب کند. فال گیرنده از آواز جانوران و ساحر و غیب
گوی حکم کننده به غیب . مولوی میگوید.

در میانشان فتنه و شور افکنم کاهنان خیره شوند اندر فتم .

15 - ایران باستان , مؤلف : حسن پیرنیا , سال 1308 شمسی , ج 1 .

و همچنان رجوع شود به :

(www.farhangsara.com/fhistory_achaemenians.htm -)

16 - دریای مدیترانه یا «دریای میانه» دریائی است در جنوب اروپا و
شمال آفریقا.

در منابع عربی و اسلامی از این دریا به دریای روم ، دریای سفید و دریای
میانه نیز یاد شده است.

کشورهای کرانه‌ای مدیترانه : مراکش , الجزایر , تونس , لیبی , مصر ,
اسرائیل , لبنان , سوریه , ترکیه , یونان , آلبانی , صربستان و مانتنگرو
, بوسنی هرزگووین , کرواسی , اسلوونی , ایتالیا , فرانسه , اسپانیا و دو
کشور زیر جزیره هایی در این دریا هستند : قبرس , مالتا .

17 - مجموعه کاخ‌های تخت جمشید , در سال (330 پیش از میلاد) به
دست اسکندر مقدونی به آتش کشیده شد و تمام بناهای آن به صورت ویرانه
در آمد . از بناهای بر جای مانده و نیمه ویرانه، بنای مدخل اصلی تخت
جمشید است که به کاخ آپادانا معروف است و مشتمل بر یک تالار مرکزی
با 36 ستون و سه ایوان (دالان بزرگ) 12 ستونی در قسمت‌های شمالی،
جنوبی و شرقی است که ایوان‌های شمالی و شرقی آن به وسیله پلکان‌هایی
به حیاط‌های مقابل متصل و مربوط می‌شوند. بلندی صفا در محل کاخ
آپادانا 16 متر و بلندی ستون‌های آن 18 متر است. این مجموعه در

فهرست آثار تاریخی ایران (آریائیان) و نیز در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است.

18 - همچنان رجوع شود به منابع :

- تاریخ ده هزار ساله ایران ، رضایی، دکتر عبدالعظیم ، تهران : اقبال، چاپ 16 ، 1384، جلد اول.

- دانشنامه ایرانیکا، سرواژه ARIYĀRAMNA

- بررسیهای تاریخی ، دکتر پرویز رجبی ، شماره مخصوص دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران ، مهر 1350 .

19 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 480 .

20 - داردانل : تنگه‌ای است باریک دارای 61 کیلومتر درازا و یک و نیم تا 6 کیلومتر پهنا در شمال غربی ترکیه که دریای اژه را به دریای مرمرة پیوند می‌دهد.

21 - کتزیاس مورخ از اهل کنید مستعمره دریانی در آسیای صغیر بود. مدت: 17 سال (415 - 398 ق. م .) معالج پروشات ملکه ، یعنی زن داریوش دوم و طبیب اردشیر دوم هخامنشی بود. کتاب هایی که نوشته از این قرار است :

1- بررسی کا (تاریخ ایران) . 2 - ایندیکا (تاریخ هند). 3- در باب

رودها. 4 - در باب کوهها. 5 - دریانوردی بدور آسیا. مهمترین تالیفات او متضمن 23 کتاب بوده است : شش کتاب متعلق به تاریخ آسور و ماد، هفت کتاب مربوط به تاریخ آریائیان (از کورش بزرگ تا فوت خشایارشا) و ده کتاب آخر دنباله تاریخ ایران تا 398 پیش از میلاد. در این سال کتزیاس از دربار هخامنشیان رفته است . رجوع به « تاریخ ایران باستان» و کتاب : « خلاصه تاریخ کتزیاس از کوروش تا اردشیر (معروف به خلاصه فوتیوس) » ترجمه دکتر کامیاب خلیلی .

22 - آکروپل واژه یونانی است که به بلندترین منطقه شهر گفته می‌شود.

23 - میترادات : در فرهنگ فارسی بمعنای : فرشته نگهبان راستی و عهد و پیمان ومظهر روشنایی تعبیر شده است .

با تائید اقوال مؤرخین « میترادات » کودک بی پدر و بی مادری بود که در هنگام اشغال « آتن » پایتخت یونان خشایارشا پادشاه ، او را به فرزندی گرفته و بدربار هخامنشیان به فارس آورده بود. خشایارشا پادشاه در مورد

چنین حکایت میکند : " کودک را بدست خواجه بزرگ دربار سپردم تا او را برای انجام کارهای درباری آماده سازد، کودک روز به روز بزرگتر می شد نام او را نیز میترادات نهادم تا همچون میترآ محافظ ما باشد...

میترادات روز به روز جوانی برومند میشد من به او تمامی هنرها را آموختم و او را از نزدیکترین کارگزاران خود قرار دادم، گاهی نیز با او درباره کارهای حکومتی مشورت می کردم، تنها چیزی که این سالها مرا آزار میداد قساوت و کینه ای بود که یونانیان از من داشتند، نمی دانم در تاریخ چه شاهی بوده که این چنین محافظه کارانه وارد خاک دشمن شود و بجای کشتار آنان، آنان را مورد لطف و عنایت خود قرار دهد، با آنکه آنان مرا زئوس خدای خود می دانند، اما کینه مرا در دل می پروراندند، وقتی به میترادات می نگرم در دلم حسی عجیب پیدا می کنم، شاید تمامی این جنگ برای آن بود که من این کودک بی نوا را که شاید از خانواده اش جا مانده و گم شده را پیدا کنم و به دربار بی همتای هخامنشیان بیاورم .

جهت معلومات بیشتر رجوع شود به :

- (mardan-iranzamin.mihanblog.com/post/198) -

- (www.iranianuk.com/article.php?id=8634) -

24 - رجوع شود به کتاب : انعکاس تاریخ ایران کهن در « نام نامه » ، نویسنده وتدوین گر : فرناز هوشمند رجبی ، موسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر.

25 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 116 - 117 .

26 - نام پادشاهی است که مصریان در ابتدای سلطنت اردشیراول برای خود برگزیدند. ایناروس برای جنگ باآریانیان از یونانیان کمک خواست ولی بعلت رشادت آریانیان مصریان شکست خوردند.

- تاریخ ایران باستان ، مؤلف : میرزا حسن خان پیرنیا ملقب به مشیرالدوله ، ص 930 تا 933 .

27 - ترعه ای است در خاک مصر که بحرالروم (مدیترانه) را بدریای سرخ متصل میکند و در قرن 19 میلادی بوسیله « فردینان دُ لِسپس » فرانسوی حفر شده و آمریکائیان آنرا به پایان رسانیدند.

طول این ترعه از بندر سوئز در ساحل بحر احمر تا پرت سعید در بحرالروم 168 کیلومتر است با حفر این ترعه راه دریایی اروپا به آسیا 0/44 کوتاه تر شده است و کشتیهای تجارتی که قبل از حفر ترعه برای رفت و آمد از اروپا به آسیا ناچار بودند که آفریقا را دور بزنند اکنون از بحرالروم و ترعه

سوئز وارد آسیا میشوند. پس از تشکیل جمهوریت مصر دولت مزبور مالکیت ترعه مزبور را از انگلستان سلب کرد و بخود اختصاص داد. رجوع شود به : - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 817.

28- تتبعات تاریخی راجع به ایران قدیم . نگاه شود به کتاب « شوق المستهام فی معرفه رموزالاقلام » تألیف احمد بن ابی بکر وحشیه نبطی کلدانی ، ص 78 .

29 - تراکیه از کشورهای قدیمی ناحیه بالکان و در قسمت جنوب شرقی بالکان واقع است ، از مشرق بدریای سیاه ، از جنوب به بسفور و داردانل و مرمره ، از مغرب به ماکدونیا (مقدونیه) محدود بوده است .

30 - فنیقی ها ملتی بودند سامی نژاد که تقریباً در دوهزاروپانصد سال پیش از میلاد از عربستان سر برآورده و بعدها بین دریای مغرب و جبل لبنان سکنی گزیدند.

رجوع به فنیقی شود. در : کتاب ایران باستان ، مؤلف : حسن پیرنیا ، سال 1308 شمسی ، ج 1 صص 442 - 446 .

31 - (محبث برادرانه) نام شهری است در حدود لیدیه و فریگیه که در 25میلی جنوب شرقی سارد واقع بوده است . بانی آن اتالس فیلادلف پادشاه پرگام بوده و اکنون بر چند تل بناهایی در آن محل هست و مجموعاً 3000 خانه و 10000 تن سکنه دارد. (برگرفته شده از : فرهنگ دهخدا رجوع به فیلادلفی شود) .

32 - شاهان کیانی و هخامنشی در آثارالباقیه (آثار الباقیه عن القرون الخالیه (به فارسی : اثرهای مانده از قرنهای گذشته) کتابی نوشته ابوریحان بیرونی، نویسنده و دانشمند بزرگ آریانا زمین.) . و همچنان رجوع شود به : مجله آموزش و پرورش سال 15 شماره های 8 و 9 و 10 ؛

- ایران باستان ، مؤلف : حسن پیرنیا ، سال 1308 شمسی ، صص 953، 954، 955، 956، 957، 959، 991، 1164، 1352، 1502، 1527، 1530، 1539، 1602، 1603، 1616، 1611، 1618، 1745، 1949، 2196، 2351، 2531، 2544 .

33 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 500 .

همچنان رجوع شود به منابع و مأخذ تحقیقی برونی :

Briant, Pierre. Von Cyrus zu Alexander: Die Geschichte – 1
des persischen Reiches. Eisenbrauns, 2002

Curtis, John (ed.). Mesopotamien und Iran im Persischen - 2
Zeitraum, British Museum Press, London, 1997

Andamaev, MA A Political History of the -3
Achämenidenreich. Übersetzt von W. J. Vogelsang. E.J.
Brill, Leiden, 1989

Gray, Richard N. The Heritage of Persia. Mentor, New - 4
York, 1963

Herodotus. The Histories. Übersetzt von Aubrey de - 5
Seaford. Revised von John Marincola. Penguin Classics,
London, 1996

Reich, Helmut und Pahlavi. Das Erbe des - 6
Zarathustra: A New Translation seiner Gathas. Heidelberg,
Universitätsverlag C. Winter, 1994

Kent, R.G. Altpersisch: Grammatik, Text, Lexikon. - 7
American Oriental Society, 1953

Wiedemann, Arthur T. Geschichte des persischen Reiches. - 8
The University of Chicago Press, Chicago, 1970

Schwartz, Martin. "Die Religion der Achaemenian Iran", - 9
in Ilia Gershevitch hg. Cambridge History of Iran. Vol. II.
CUP, 1985

Tronach, David. "Anshan und Parsa: Early - 10
Achaemenidische Geschichte, Kunst und Architektur über
das iranische Plateau". In John Curtis hg. Mesopotamien
und Iran im Persischen Zeitraum, British Museum Press,
London, 1997

Tronach, David. "Das Grab auf Arjan und die - 11
Geschichte der Southwestern Iran in den frühen sechsten

Altpersisch	Texte	-12
(http://www.avesta.org/op/op.htm)		
chaemenidische	Beschriftungen	- 13
(http://oi.uchicago.edu/OI/PROJ/ARI/ARI.html)		
ersepolis	Karte und architektonische Details	- 14
(http://oi.uchicago.edu/OI/MUS/PA/IRAN/PAAI/PAAI_Pe_rsepolis.html)		
ikipedia	History of Persia	- 15
(http://en2.wikipedia.org/wiki/History of Persia)		